

تبیین «قرابت» به مثابه «اعتبار محوری» در مدیریت اسلامی

مصباح الهدی باقری

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام. تهران. ایران.

mesbab@yahoo.com

مهدی سپهری

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده هیئت، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق علیه السلام. تهران. ایران.

mahdi.sepohri@yahoo.com

جواد آزادی احمدآبادی

دانشجوی دوره دکتری رشته مدیریت دولتی گرایش تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی و پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام. تهران. ایران. (نویسنده مسئول)

ja.azadi@isu.ac.ir

چکیده

مسئله پژوهش حاضر از تدقیق در اثرات فروکاهش مبانی انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در تئوری سازمان و مدیریت غربی نشئت می‌گیرد. بر این اساس، با رهگیری این فروکاهش در مبانی، نشان داده می‌شود که «قرابت» به‌عنوان داعی اصلی و اعتبار محوری در دیدگاه‌های سه‌گانه مدرن، نمادین تفسیری و پست‌مدرن مطرح است. در ادامه با رویکرد موضوع‌شناسی فلسفی، و با استفاده از روش‌های متناسب با ساحات گوناگون تحقیق در حوزه اعتباریات و شیوه تحلیل مضمون، به شناسایی و معرفی قرابت به مثابه اعتبار محوری در مدیریت اسلامی پرداخته می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در اندیشه اسلامی، کمال حقیقی، قرب به خدای متعال است که از مسیر ولایت‌پذیری

انسان کامل محقق می‌شود و در ظاهر این قرب، هسته اصلی تعاملات اجتماعی بر محور قرابت خانوادگی است. با کشف اعتبار «قرابت» به عنوان اعتبار محوری، در ساحت ساخت یکی از نمونه‌های منتج از محوریت قرابت تفریع خواهد شد و در ساحت تغییر به تبیین اثرات آن در طرح سازمان و با سه مؤلفه پیچیدگی، رسمیت و تمرکز پرداخته خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت اسلامی، رقابت، ادراکات اعتباری، قرابت محوری، قرب، بذل بی دریغ.

۱. بیان مسئله

گستره نگاه‌های گوناگون در نظریه سازمان، اعم از اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی و پست مدرنیسم (هچ^۱، ۱۳۸۹)، نمودار تنوع پاسخ‌هایی است که در تبیین سازمان ارائه شده است (مکولی، جانسون و دوبرلی^۲، ۱۳۸۹: ص ۵۷). بیش از هر چیز، تفاوت و تعارض این دیدگاه‌ها از حوزه‌های روش‌شناسی و معرفت‌شناسی آغاز و نمایان می‌شود و درباره هستی‌شناسی^۳، به معنای عمیقی که در اندیشه اسلامی بحث می‌شود، غفلت ورزیده می‌شود. حال آنکه در فلسفه اسلامی، آغاز و مبدأ بحث از حوزه هستی‌شناسی است. نگارنده در تعقیب علت این تفاوت، به نقطه‌های آغازین در شکل‌گیری مفاهیمی نظیر سازمان و مدیریت رهنمون می‌شود؛ پس از واکاوی ریشه‌های این تفاوت، نارسایی مبنایی پاسخ‌هایی که تاکنون در تبیین سازمان ارائه شده است، روشن می‌شود و در مقابل تلاش می‌شود تا تبیینی اسلامی از سازمان، کشف و ارائه شود. در ادامه شرح تفصیلی مسئله ارائه می‌شود.

۱-۱. فروکاهش هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی در پارادایم غربی
در عصر حاضر، هنگامی که براساس مبانی اومانیزم، اصالت به انسان داده شد؛ غایت بشر، منفعت شخصی حداکثری قرار گرفت و آنگاه که ماوراءالطبیعه کنار گذاشته شد، این منفعت به عالم

1. Hatch.

2. Macaulay, Johnson, Duberley.

۳. البته به اعتقاد نگارنده، تفکیک جهان‌بینی اسلامی به حوزه‌های «منفک از هم» نظیر انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و... موجب انحراف می‌شود و اگر این تفکیک در مقاله ذکر می‌شود با تساهل و تسامح و با هدف توضیح جایگاه بحث و قابلیت مقایسه با نظریات رقیب است.

طبیعت محدود شد (حبیبی، ۱۳۹۰: صص ۲۱-۱۵). در همین راستا مفهوم متعالی عقلانیت^۱، به عقلانیت خودبنیاد^۲ فروکاسته شد و از آنجا نیز به عقلانیت ابزاری^۳ و پس از آن، به عقلانیت عمومی و به تعبیر دقیق تر به فهم عرفی^۴ معطوف شد، به طوری که درباره حقانیت ارزش‌ها و اعتباریات آدمی ساکت شده و آن را به امیال خودمحور افراد انسانی^۵ واگذاشت (پارسانیا، ۱۳۸۹: صص ۵۵-۶۶)؛ در واقع، این فروکاهش که در حوزه هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی بر جمیع شئون فرهنگ و تمدن غرب سایه ضلالت افکند، به لحاظ تئوریک انعقادگاه نطفه علم مدیریت به معنای غربی آن است.

۱-۲. اثرات فروکاهش هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی پارادایم غربی بر علوم

اصالت یافتن امیال خودمحور افراد انسانی و کنار نهاده شدن ماوراءالطبیعه، تأثیرات بنیادی در علوم داشت:

۱-۱-۲. در موضوع علوم: علوم براساس موضوع خود به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

الف- علمی که موضوع آنها موجوداتی است که صرف نظر از اراده انسانی وجود دارند. از این دسته علوم در ادبیات اسلامی با عنوان حکمت نظری یاد می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ص ۱۲۲). گزاره‌های این علوم هستاری است (پارسانیا، ۱۳۹۱: ص ۳۴).

ب- علمی که موضوع آنها موجوداتی است که در وجود خود قائم به اراده و آگاهی انسانی است؛ از این دسته علوم با عنوان علوم انسانی و در ادبیات اسلامی با عنوان حکمت عملی یاد می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ص ۱۲۲). گزاره‌های این علوم بایستاری (پارسانیا، ۱۳۹۱: ص ۳۴) و از سنخ ادراکات اعتباری است (طباطبایی و مطهری، ۱۳۷۲: الف: ص ۴۷).

در حوزه علوم نظری، از وجود متعالی و مطلق حق تعالی تا جلوات آن در سراسر عوالم چشم‌پوشی شد و تنها عالم ماده و طبیعت، موضوع این علوم قرار گرفت. ضمن آنکه اصالت امیال دانی آدمی،

1. Intellectualism.
2. Realism.
3. Instrumental Reason.
4. Common sense.
5. Individualism.

سبب تسلط محوریِ غایاتِ علوم طبیعی شد. مسئله اصالتِ فرد انسانی آن چنان پیشروی کرده که امروزه علوم نظری تا حد علوم عملی فروکاهیده شده، تا آنجا که آدمی حتی از حقیقتِ هستی‌های مستقل از وجودِ انسان دور شده است و خود را آفریننده علم می‌داند^۱ (حییبی، ۱۳۹۰: صص ۲۲-۱۵). در حوزه علوم عملی که موضوع آن کنش‌های ارادی و آگاهانه انسان است (پارسانیا، ۱۳۹۱: ص ۲۴)؛ اولاً، اراده آدمی به تمنیات افرادِ انسانِ غربی معطوف شده است و ثانیاً، آگاهی نیز با غفلت از عوالم مثال، عقل، قلب و ... تنها به عالم طبیعت محدود شده است. کما اینکه در بیانی از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است (کلینی، ۱۳۶۲: ص ۴۴): «الْعِلْمُ مَقْرُونٌ إِلَى الْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ وَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ».

درواقع، محدودیتِ علم به عالمِ طبیعت، محدودیتِ عمل در گستره طبیعت را به دنبال دارد و از طرف دیگر، محدودیتِ عمل در گستره طبیعت، علم محدود به این عالم را به دنبال دارد.

۲-۱-۲. در روش علوم

با حذف شدن حوزه متافیزیک از گزاره‌های هستاری عالم و غلبه حس‌گرایی در قرن نوزدهم، میان علم^۲ و معرفت^۳ تمایز ایجاد شد و علم، دانشی تعریف شد که از طریق تجربه به دست می‌آید و معرفت به هر نوع آگاهی اطلاق شد که از غیر تجربه به دست آید (مصباح یزدی، ۱۳۸۵: صص ۱۶-۱۵).

اگرچه روش تحقیق، مبتنی بر موضوع تحقیق است (طباطبایی و مطهری، ۱۳۷۲: ج ۱: ص ۲۳)، مبانی معرفت‌شناختی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (پارسانیا، ۱۳۹۱: ص ۴۹). در ابتدای دوره مدرن با توجه به سایه سنگین پوزیتیویست‌ها بر سر جامعه علمی،^۴ روش تجربی نه تنها مبنای تحقیق در علوم طبیعی، بلکه در علوم انسانی نیز قرار گرفت.

۱. آیت الله جوادی آملی در خصوص موضوع علم می‌فرماید (جوادی آملی، ۱۳۸۹: صص ۱۳۶-۱۳۵): «در سیری افقی به راه خود ادامه می‌دهد؛ نه برای عالم و طبیعت مبدئی می‌بیند و نه غایت و فرجامی برای آن در نظر می‌گیرد و نه دانشی که خود دارد عطای خدا و موهبت الهی می‌یابد. این نگاهی که واقعیت هستی را مُثله می‌کند و طبیعت را به عنوان خلقت نمی‌بیند و برای آن خالق و هدفی در نظر نمی‌گیرد، بلکه صرفاً به مطالعه لاشه طبیعت می‌پردازد و علم را زائیده فکر خود می‌پندارد نه بخشش خدا. درحقیقت علمی مردار تحویل می‌دهد، زیرا به موضوع مطالعه خویش به چشم یک مردار و لاشه می‌نگرد، چون بال مبدأ فاعلی و نیز بال مبدأ غایی از آن کنده شده است».

2. Science.

3. Knowledge.

۴. دکتر حسن دانایی فرد از این اثر سایه سنگین پوزیتیویست‌ها، به دیکتاتوری شیوه تعبیر می‌کند و می‌گوید (نیومن، ۱۳۸۹: ص ۱۹): «دیکتاتوری شیوه مرتکب گناهی به مراتب بزرگ‌تر از دیکتاتورهای سیاسی می‌شوند، زیرا اینان از تراوش ذهن ممانعت می‌کنند و آنان از تراوش زبان».

در اوایل قرن بیستم و با روشن شدن محدودیت‌های شناخت تجربی، روش تحقیق در علوم انسانی به سوی تفهم و ادراک معانی کنش‌های انسانی کشیده شد؛ هر چند تا قبل از ظهور انتقادیون، علوم انسانی با روش‌های تفهیمی نیز در جهت سامان‌دهی معانی و مفاهیم، بر قاموس شاخص‌های تجربی و با هدف پیش‌بینی و کنترل کنش‌های انسانی بود. به تدریج با فاصله گرفتن علوم انسانی از روش‌های تجربی در انتهای قرن بیستم، انتقادیون با روش‌هایی فراتر از روش تجربی و با کنار گذاشتن رویکرد صرفاً ابزاری به علوم انسانی، به دنبال داوری ارزش‌ها و هنجارهای نظامات انسانی و اجتماعی رفتند.

۳-۱. ظهور علم مدیریت

در دوره مدرن، غایات علوم، تسلط فرد انسانی بر عالم طبیعت قرار گرفت. به همین جهت علوم، سمت و سویی ابزاری در راستای نیل به این هدف پیدا کردند. تجلی چنین رویکرد هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی با انقلاب صنعتی رخ کرد. با پیشرفت‌های فرد انسانی در تسلط بر عالم طبیعت و در پرتو انقلاب صنعتی، مسائل مستحدثه‌ای شکل گرفت (رضائیان، ۱۳۸۷: ص ۳۵) که در پاسخ به آنها مفاهیمی چون مدیریت، سازمان و ساختار وضع شد و معنا یافت و در واقع، این مسائل موجب پیدایش «علم» مدیریت با هدف بهره‌وری شد (رضائیان، ۱۳۸۷: ص ۴۱).

موضوع علم مدیریت، شناخت کنش اجتماعی انسانی است (مکولی، جانسون و دوبرلی، ۱۳۸۹: صص ۱۴-۱۵) و کنش اجتماعی انسانی عبارت است از فعالیتی که انسان با نظر به جامعه و با اراده و آگاهی انجام می‌دهد. ارادی بودن کنش انسانی بر هدفمند بودن آن دلالت دارد و هدفمندی به انضمام آگاهی، دلالت بر معناداری کنش دارد (پارسانیا، ۱۳۹۱: صص ۲۸-۲۳)؛ بنابراین، علم مدیریت در زمره علوم انسانی و حکمت عملی قرار می‌گیرد و گزاره‌های آن از سنخ بایستاری و ادراکات اعتباری هستند.

۴-۱. رهگیری فروکاهش هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی در پارادایم مدیریت غربی

با استناد به طبقه‌بندی هچ (هچ، ۱۳۸۹) از تنوع نظریات در حوزه سازمان، می‌توان به سه گروه اصلی ۱. کلاسیک و مدرن، ۲. تفسیری و نمادین و ۳. پست مدرن اشاره کرد.

۴-۱-۱. دوره مدرن

ضلالت و رنجشی که مدیریت در دوره مدرن متحمل می‌شود، مربوط به فروکاهش هستی‌شناختی غرب به عالم طبیعت و فروکاهش معرفت‌شناختی در مرتبه عقلانیت ابزاری و روش حسی است که با هدف تسلط حداکثری فرد انسانی بر طبیعت، و در پرتو مفهوم «بهره‌وری» صورت می‌پذیرد.

۴-۱-۲. دوره تفسیری و نمادین

در دوره تفسیری و نمادین، بر فهم و معنایابی کنش انسان تأکید می‌شود؛ در واقع، اگرچه با مدیریت که در زمره علوم عملی است همچون علوم نظری برخورد نمی‌شود، با این حال تلاش بر این است که روش‌ها و نظریات تفهیمی نیز بر قاموس‌سنجی‌های تجربی و متلائم با نظریات مدرن، استوار شود.

۴-۱-۳. دوره پست مدرن

در دوره پست مدرن، مسئله داوری ارزش‌ها و هنجارها مطرح می‌شود. نکته در این است که اگرچه مدیریت جایگاه خود را در زمره علوم عملی می‌یابد، بشر غربی که همه عوالم را تا طبیعت فروکاهیده، به هنگام داوری ارزش‌ها و هنجارها، واقعیتی را ورای آنها نمی‌یابد تا عهده‌دار این ارزش‌گذاری شود؛ به‌ناچار ارزش‌گذاری به امیال خودمحمور فرد انسانی واگذار می‌شود که جز نسبت ارمغان دیگری برای وی ندارد.

با نگاه به نظریه‌های هر دوره، می‌توان اعتبار رقابت را دنبال کرد. بایسته «رقابت» که یک کنش انسانی و مبتنی بر اراده و آگاهی است؛ از هر دو جهت اراده و آگاهی نارسایی دارد: اولاً، از بعد هستی‌شناسی در تمامی نظریه‌های مدرن، تفسیری و پست مدرن با فروکاهش عوالم هستی به عالم ماده و طبیعت، فرد انسانی اصالت یافت و تسلط بر طبیعت، غایت افراد بشری قرار گرفت، در

چنین حالتی بشر مصداق آیه شریفه ۱۵۴ سوره مبارکه آل عمران قرار گرفت: «وَوَاطِنَةً قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ»: «و گروهی [تنها] در فکر جان خود بودند».

با در نظر گرفتن محدودیت‌های عالم غیر مجرد طبیعت - که دارِ تراحم است (مطهری، ۱۳۷۰: ص ۹۳) - رقابت بر سر تحصیل و تسلط بر طبیعت، در لباس سرمایه‌داری شکل گرفت؛ همچنین، از بعد معرفت‌شناسی در نظریات مدرن، مفهوم متعالی عقلانیت به عقلانیت ابزاری فرو کاهیده شد و بالطبع آگاهی بشر، معطوف به حس و تجربه شد. در نظریات تفسیریون نیز اگرچه روش‌های دیگر مطرح شد، پافشاری در تلاطم با مدرنیست‌ها، آنها را در همان دام رویکرد «شیء‌انگاری»^۱ به پدیده‌های اجتماعی، از جمله رقابت گرفتار کرد؛ این همان چیزی است که مدرنیست‌ها نیز به آن مبتلا بودند و در نهایت، در نظریات پست مدرن، اگرچه با روش‌های جدید به سمت انتقاد و ارزش‌گذاری هنجارها و پدیده‌های اجتماعی از جمله رقابت رفته‌اند، به محض اینکه به قدم نهادن در ورای پدیده‌های اجتماعی برای ارزشیابی آنها اراده می‌کنند، به خوبی در می‌یابند که هیچ مبنای مستحکمی برای داوری وجود ندارد؛ به‌ناچار عقل عمومی یا فهم عرفی جوامع غربی که صورت نازل تری از عقل ابزاری آنها دارد، مبنای ارزش‌گذاری قرار می‌گیرد و بدین ترتیب چهره متزلزل و شکاکانه خود را در پس فهم عرفی توجیه می‌کنند. این مسئله، اعتبارات اجتماعی، از جمله رقابت را، بیش از پیش سست می‌کند؛ چراکه موضوع علوم انسانی اعتباریاتی است که بر مبنای اراده و آگاهی انسان است و در نتیجه میان آن اعتبار و شناخت آن اعتبار، دیالکتیکی به وجود می‌آید؛ به این معنا که شناخت انسان از اعتبار، آگاهی او را ارتقا داده و اعتبار جدید مبتنی بر آگاهی جدید شکل می‌گیرد.^۲

درواقع، سؤال این پژوهش از این منظر نمودار می‌شود که اگر «عقل عرفی» و «فهم عمومی» مبنای آگاهی قرار گیرد، اعتباریات و پدیده‌های اجتماعی از جمله اعتبار رقابت، در پارادایم مدیریت غربی تا چه حد معتبر هستند؟ می‌توان گفت در رویکرد مدیریت غربی، با تغافل درباره نارسایی‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی درباره پدیده‌های اجتماعی، با اصرار فراوان - چه در سطح فردی و چه در سطح سازمانی - مفهوم اعتباری «رقابت» که صرفاً بازتاب شعور متعارف است جای حقیقت‌نشسته و بایسته «رقابت» امری محتوم به‌شمار می‌رود. یک فرد و یا یک سازمان، به تفکر در نداشته‌های خود دعوت می‌شوند و در محک با آنچه رقیب اعتبار

1. Objectivism.

۲. کما اینکه حدیث شریف حضرت امام صادق علیه السلام نیز مؤید این معنا است: «أَلْعِلْمُ مَقْرُونٌ إِلَى الْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ وَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ» (کلینی، ۱۳۶۲: ص ۴۴).

کرده‌اند، برانگیخته می‌شوند و در این حالت قدر و منزلت هر فرد یا هر سازمان به‌قدر رقابت او تعریف می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

با نظر به بیان مسئله و آنچه در پژوهش حاضر مبتنی بر جریان‌یافتن نظریه ادراکات اعتباری مرحوم علامه طباطبایی در پرتو اعتبار قرابت و در گستره سازمان و مدیریت دنبال می‌شود، لازم است تا در چند سطح، سابقه پژوهش بررسی شود:

سطح اول، تحقیقاتی مشابه تحقیق حاضر؛

سطح دوم، تحقیقاتی که با رویکردی اسلامی - فارغ از چگونگی نظر به منبع یا روش اسلامی^۱ - به دنبال طرح اعتباریات در مدیریت بوده‌اند. در این سطح می‌توان پژوهش‌های پیشین را در ساحت کشف، ساخت و تغییر اعتباریات در مدیریت دنبال کرد؛^۲ سطح سوم، تحقیقاتی که در حوزه تبیین قرابت صورت گرفته است.

در مورد سطح اول، باید گفت با وجود تحقیقات ارزشمندی که در سطح دوم بدان‌ها اشاره خواهد شد، تاکنون هیچ تحقیقی با توجه به هر سه ساحت کشف، ساخت و تغییر اعتباریات، در حوزه مدیریت و سازمان وجود ندارد. در گران‌مایه‌ترین این آثار و با همه قوت تحقیق در ساحت کشف و ساخت اعتباریات، خلأ تنوریک در حوزه تغییر اعتباریات به چشم می‌خورد. در بهترین حالت به طرح سؤالاتی از چیستی تغییر اعتباریات مدیریت غربی در ابتدا بر اعتبار جدید منبث از منبع و روش معرفتی اسلامی بسنده شده است و یا طرح جامعه آرمانی را گریزگاهی برای فرار از ساحت تغییر در اعتباریات موجود و توقف در ساحت کشف قرار داده‌اند.

بدون شک نگارنده این پژوهش نیز ادعای تحقیقی جامع در سه ساحت ذکر شده را ندارد اما از طرف دیگر - در یک رویکرد آسیب‌شناسانه به گفتمان مدیریت اسلامی - به جد معتقد است که عدم توجه نظام‌وار به هر سه ساحت، موجب خلأ علمی یا عملی شده است؛ به بیان دیگر، در ضعیف‌ترین این آثار بدون توجه به جنبه تکوینی ساحت کشف در اعتباریات، تلاش می‌شود تا صرفاً با استفاده از منابع دینی به جنبه تدوینی اعتباریات دست یابند و در قوی‌ترین این آثار محققان در دو ساحت کشف و ساخت اعتباریات متوقف می‌شوند. حال آنکه این سؤال مطرح است که

۱. شایان‌ذکر است این دوگان بر نظر نگارنده در حوزه سنخ‌شناسی پژوهش‌های اسلامی در حوزه مدیریت دلالت ندارد.

۲. ساحت سه‌گانه ذکر شده ناشی از رویکرد موضوع‌شناسی است که در بخش روش تحقیق تبیین خواهد شد.

چگونه جامعه‌ای که حیات نظام عملی خود را در اعتبار اعتباریات مدیریت غربی می‌یابد، می‌تواند خود را در معانی جدید معتبر یابد؟ به عقیده نگارنده میراث علم و دانش اسلامی در ساحت کشف، آن‌چنان غنی از مبانی در حوزه تکوین و قوت منابع در حوزه تدوین است که باید تمرکز اصلی محققان در تکیه به این میراث عظیم و جریان معارف تدوینی و تکوینی به ساحت ساخت و تغییر اعتباریات باشد.

در سطح دوم، با وجود محدود کردن اعتباریات در حوزه سازمان و مدیریت نیز می‌توان به آثار کثیری اشاره کرد که مبتنی بر چگونگی نظر به مبانی اعتباریات، در ساحت کشف، و کیفیت و جامعیت در ساحت ساخت، گستره متنوعی دارد. به‌عنوان نمونه - صرف نظر از ارزشیابی - می‌توان به آثار زیادی اشاره کرد که در ساحت کشف و جنبه تدوین، از حوزه تشریحی به تحقیق پرداخته‌اند. این آثار با موضوعاتی نظیر مطالعه تطبیقی وظایف مدیریت در قرآن کریم (نجات بخش اصفهانی و شهریاری، ۱۳۸۸)؛ پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی (مصباح یزدی، ۱۳۸۵)؛ قدرت در مدیریت اسلامی (نادری قمی، ۱۳۷۸)؛ اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن (نقی پورفر، ۱۳۷۷ الف)؛ بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن (نقی پورفر، ۱۳۷۷ ب)؛ تشویق و تنبیه در اسلام (سید علی پور، ۱۳۸۳)؛ آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مدیریت اسلامی (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰)؛ تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی (خنیفر، ۱۳۸۴ ب)؛ اوصاف مدیر (کشوری، ۱۳۷۱) و آثار متعدد دیگری که در این زمینه براساس عهدنامه مالک اشتر و نهج البلاغه (احسانی، ۱۳۷۹)؛ اعتصامی و فاضلی کبریا، ۱۳۸۸)؛ اعرافی، ۱۳۸۰)؛ بشیر، ۱۳۸۵)؛ تقوی رفسنجانی، ۱۳۸۱)؛ ثواقب، ۱۳۸۰)؛ حق پناه، ۱۳۷۹)؛ خزعلی، ۱۳۸۱)؛ خنیفر، ۱۳۸۴ الف)؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸)؛ رحمانی، ۱۳۷۹)؛ رستمیان، ۱۳۷۹)؛ فلاح سلوکلابی، ۱۳۸۴)؛ کریمی، ۱۳۸۱)؛ ماندگار، ۱۳۷۹)؛ محسنی، ۱۳۸۴)؛ مشتاق، ۱۳۸۵)؛ ناصری، ۱۳۸۱)؛ نوایی، ۱۳۸۲)؛ الگوی اسلامی ارتباطات با مشتری مبتنی بر رابطه اخوت (محمدی، ۱۳۹۲)؛ نقش رهبری اسلامی در اداره شرکت (عباسی، ۲۰۰۸)؛ مذهب به‌عنوان استراتژی وحدت (عاشور^۲ و برهان‌الدین،^۳ ۲۰۱۱)؛ رویکردهای مذهبی در مدیریت دانش (حیدر نقوی،^۴ کنوال^۵ و محمد عثمان،^۶ ۲۰۱۲)؛

1. Abbasi.
2. Achour.
3. Borehannoeeddin.
4. HaiderNaqvi.
5. Kanwal.
6. Muhammad Usman.

ارزش‌های اسلامی در مدیریت (مازلیزا^۱، آزلینور^۲ و نورالسیاح^۳، ۲۰۱۳)؛ دیدگاه دینی در کارآفرینی و صنعتی‌شدن (محمی‌الدین^۴، ۲۰۱۳)؛ مکانیسم‌های کنترلی (محمی‌الدین، ۲۰۱۳) و مبانی مدیریت زمان (محمد^۵، ندیم^۶، مبین^۷، ۲۰۱۱) تحریر شده است.^۸

همچنین، آثاری که در ساحت کشف و جنبه تدوین و از حوزه عرفی به تحقیق پرداخته‌اند، مانند بررسی شایستگی‌های مدیریت (بابایی^۹، وظیفه دمیرچی^{۱۰} و شریفی^{۱۱}، ۲۰۱۲)؛ ارتقای انگیزش شغلی مدیران (اسکندرزاده^{۱۲}، فرج‌اللهی^{۱۳}، نصیری^{۱۴} و معینی‌کیا^{۱۵}، ۲۰۱۱)؛ مدیریت منابع اسلامی (حقو^{۱۶}، حصمت^{۱۷}، مفیض‌نور رحمان‌الازهری^{۱۸}، ۲۰۱۳)؛ رضایت شغلی کارآفرینان (رفیکی^{۱۹} و عبدالوهاب^{۲۰}، ۲۰۱۳) بیشتر ناظر به روش‌های پیمایشی است.

در ساحت کشف و حوزه تکوین نیز منابع فلسفی، معرفتی و هستی‌شناختی اسلامی غنی از معارف است و آن هنگام نیز که سخن در خصوص نظریه ادراکات اعتباری مرحوم علامه طباطبایی باشد - اگرچه از نظریات متأخر و ابتکاری ایشان است اما - اتقان در مبانی نظریه، غنای لازم را

1. Mazliza.
2. Azlinor.
3. Nor Asiah.
4. Mohiuddin.
5. Muhammad.
6. Nadeem.
7. Mobeen.

۸. شایان ذکر است مقالاتی چون (امیری، ۱۳۸۶)، (ازگلی و عابدی جعفری، ۱۳۸۷)، و (چاووشی، ۱۳۸۸) تلاش در طبقه‌بندی و مرور بر مقالات در حوزه مدیریت اسلامی داشته‌اند.

9. Babaei.
10. VazifehDamirchi.
11. Sharifi.
12. Eskandarzadeh.
13. Farajollahi.
14. Nasiri.
15. Moeni Kia.
16. Hoque.
17. Hasmat.
18. MofizurRahman Al-Azhari.
19. Rafiki.
20. AbdolWahab.

به دست می دهد (هوشنگی، ۱۳۹۰). از آنجاکه پژوهش حاضر با مفروض گرفتن نظریه ادراکات اعتباری به دنبال بحث درجه دوم در این مورد نیست، نمی توان آثاری را که در موضوع نظریه ادراکات اعتباری نگاشته شده است به عنوان پیشینه این پژوهش در نظر گرفت اما بدون شک بهره برداری از این آثار، به غنای پژوهش کمک خواهد کرد. بر این اساس، به آثاری اشاره خواهد شد که بیشتر به دنبال ساخت ساخت و با تکیه بر ساخت کشف - صرف نظر از چگونگی پرداخت به جنبه تکوین و تدوین - بوده اند. با تساهل و تسامح می توان آثاری با موضوعات مطالعه تطبیقی مدیریت اسلامی و مدیریت غربی رایج (بهارستان، ۱۳۸۳)؛ نظام ارزشی در مدیریت اسلامی و دیگر مکاتب (فروزنده دهکردی و ملائی، ۱۳۸۸)؛ در جست و جوی پارادایمی برای مدیریت دولتی (کلانتری و دانایی فرد، ۱۳۷۸)؛ تحلیل جایگاه ارزش ها در مدیریت (توکلی، ۱۳۹۱)؛ مدیریت اسلامی؛ رویکردی فقهی و اجتهادی (امیری، ۱۳۸۸)؛ تحلیل مبادی هستی شناختی و معرفت شناختی عدالت در اندیشه استاد شهید مطهری (پیغامی، ۱۳۸۷)؛ پیش فرض های معرفت شناسی در مدیریت اسلامی (گابینی، ۱۳۸۲)؛ مبانی جهان بینی، شناخت شناسی و انسان شناسی مدیریت اسلامی (آزنی احمد، ۲۰۱۲) و طراحی مسئولیت اجتماعی سازمان (محمد زمانی، ۱۳۹۲) را نام برد.

در سطح سوم باید به آنچه درباره تبیین قرابت انجام شده است اشاره کرد:

به لحاظ واژه شناسی کهن ترین لغتنامه شیعی یعنی کتاب العین (قرن دوم ه.ق) در مدخل قُرْب معنای قرابت را معادل تقرّب، نزدیکی و وصول به حق دانسته است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ه.ق). با در نظر گرفتن این معنا از قرابت، گستره عمیق و وسیعی از منابع اسلامی ذیل این عنوان قرار می گیرد؛ بدین جهت تنها به ذکر چند نمونه از مطالعات بسنده می شود: تحلیل معناشناختی قرب (علی خانی، ۱۳۸۹؛ مصباح، ۱۳۹۰)؛ الگوهای عملی تقرب به خداوند (مصباح، ۱۳۹۱)، تعریف و تبیین معانی قرب در آیات کلام الله مجید (طباطبایی، ۱۳۷۴ ج: ص ۲۰۷) و در نهایت، آیت الله مصباح یزدی نیز با برشمردن معانی مختلف قرب، سخن از تجرید معنای مادی و محسوس قرب و لزوم محوریت قرب در مدیریت اسلامی به میان آورده اند. در این تقرب به کمال، علم و اراده که مبنای عمل آدمی است از مراتب عالی هستی نشئت خواهد گرفت (مصباح یزدی، ۱۳۸۵: صص ۱۸۰-۱۶۰).

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر مبتنی بر رویکرد «موضوع شناسی فلسفی»^۱ است. در ادامه به اجمال درباره چستی و چرایی این رویکرد بحث خواهد شد و چگونگی آن در قالب بخش گردآوری داده‌های تحقیق معرفی خواهد شد.

۳-۱. چرایی و چستی «موضوع شناسی فلسفی» تحقیق

فلسفه که به شناختِ مطلق وجود می‌پردازد^۲ (طباطبایی، ۱۳۸۶: ص ۶) در موضوع خود، اعم از موضوعات سایر علوم است^۳ (طباطبایی، ۱۳۸۰: ص ۵) و بدین جهت، علمی آزاده از نیاز به سایر علوم است^۴ (شیرازی، ۱۳۸۵: ص ۵) و این سایر علوم^۵ هستند که در نیاز به اثبات موضوع خود، دست به سوی فلسفه دراز دارند^۶ (طباطبایی، ۱۳۸۰: ص ۵).

انسان که ذاتاً به دنبال حقیقت است^۷ (طباطبایی، ۱۳۸۶: ص ۶)، با وانهادن اثبات هستی موضوعات علوم جزئی به فلسفه، به بحث درباره ماهیت موضوع علوم جزئی در آن علوم می‌پردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف: ص ۴۱۸).

بر این اساس، موضوع شناسی فلسفی علوم - به معنای علوم جزئی - مانند مدیریت، از دو جهت

۱. رویکرد موضوع شناسی فلسفی طی مقاله‌ای با عنوان «آسیب شناسی آثار مدیریت اسلامی در پرتو تبیین چستی، چرایی و چگونگی روش موضوع شناسی فلسفی در برابر روش مرور موضوعی» در دومین کنگره بین المللی علوم انسانی و اسلامی، تهران (۱۳۹۲) ارائه و تبیین شد. البته نگارنده به تمایزات میان روش، رویکرد، روش شناسی، شیوه و رویه، نیز معانی مختلفی که برای «روش» به کار گرفته می‌شود التفات دارد و استفاده از واژه «روش» برای «موضوع شناسی فلسفی» و «مرور موضوعی» با تساهل و تسامح بوده است.

۲. «أَلْحِكْمَةُ الإِلَهِيَّةُ عِلْمٌ يَبْحَثُ فِيهِ عَنِ أَحْوَالِ الْمَوْجُودِ بِمَا هُوَ مُوجُودٌ وَ مَوْضِعِهَا الَّذِي يَبْحَثُ فِيهِ عَنِ أَعْرَاضِهِ الذَّائِيَةِ هُوَ الْمَوْجُودُ بِمَا هُوَ مُوجُودٌ وَ غَايَتُهَا مَعْرِفَةُ الْمَوْجُودَاتِ عَلَيَّ وَ جِهَ كَلِّيَّ وَ تَمَيِّزُهَا مِمَّا لَيْسَ بِمَوْجُودٍ حَقِيقِيٍّ» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ص ۶).

۳. «أَنَّ الْفَلَسَفَةَ أَعْمَ الْعُلُومِ جَمِيعًا لِأَنَّ مَوْضِعَهَا أَعْمَ الْمَوْضُوعَاتِ» (طباطبایی، ۱۳۸۰: ص ۵).

۴. «هَذَا الْعِلْمُ حَرٌّ مُتَمَلِّقٌ عَنِ الْاِئْتِقَارِ إِلَى غَيْرِهِ وَ التَّعَلُّقُ بِمَا سِوَاهُ وَ سَائِرُ الْعُلُومِ بِمَنْزِلَةِ الْعَبِيدِ وَ الْخِدَامِ لِهَذَا الْعِلْمِ» (شیرازی، ۱۳۸۵: ص ۵).

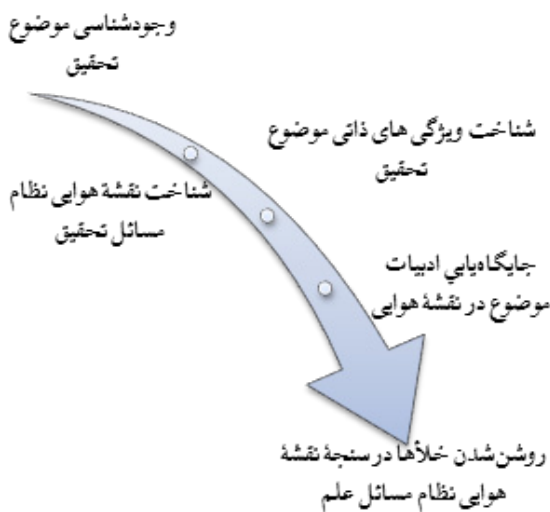
۵. البته صرف نظر از اختلاف موضوعی فلسفه و عرفان که موضوع عرفان وجود واحد شخصی است و موضوع فلسفه وجودی است که دارای کثرت تباینی و تشکیکی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ج: ص ۳۵۱).

۶. «فَالْعُلُومُ جَمِيعًا تَتَوَقَّفُ عَلَيْهَا فِي ثُبُوتِ مَوْضُوعَاتِهَا وَ أَمَّا الْفَلَسَفَةُ فَلَا تَتَوَقَّفُ فِي ثُبُوتِ مَوْضُوعِهَا عَلَيَّ شَيْءٍ مِنْ الْعُلُومِ فَإِنَّ مَوْضِعَهَا الْمَوْجُودَ الْعَامَ الَّذِي تَتَّصِرُ تَصَوُّرًا أَوْلِيَا وَ نَصَدَقَ بِوُجُودِهِ كَذَلِكَ لِأَنَّ الْمَوْجُودِيَّةَ نَفْسَهُ» (طباطبایی، ۱۳۸۰: ص ۵).

۷. «أَنَّ الْإِنْسَانَ يَجِدُ مِنْ نَفْسِهِ أَنَّ لِنَفْسِهِ حَقِيقَةً وَ وَاقِعِيَّةً وَ أَنَّ هُنَاكَ حَقِيقَةً وَ وَاقِعِيَّةً وَرَاءَ نَفْسِهِ وَ أَنَّ لَهُ أَنْ يَصِيْبَهَا فَلَا يَطْلُبُ شَيْئًا مِنَ الْأَشْيَاءِ وَ لَا يَقْبِضُهُ إِلَّا مِنْ جِهَةِ أَنَّهُ هُوَ ذَلِكَ الشَّيْءُ فِي الْوَاقِعِ وَ لَا يَهْرَبُ مِنْ شَيْءٍ وَ لَا يَنْدَفِعُ عَنْهُ إِلَّا لِكُونِهِ هُوَ ذَلِكَ الشَّيْءُ فِي الْحَقِيقَةِ» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ص ۶).

ضرورت دارد: اولاً، اثبات وجود موضوع علم - «بحث درجه دوم از علم» - تنها در عهده فلسفه است و ثانیاً، بحث درجه اول از علوم که به ماهیت موضوع می پردازد با غفلت از وجود موضوع، دچار لغزش و انحراف خواهد شد. به عنوان نمونه، غفلت از سنخ وجودی موضوع علم مدیریت که از نوع اعتباریات است موجب شده تا تئوری های اثبات گرایی^۱ به هنگام بحث درجه اول از مدیریت در دام شیء انگاری^۲ گرفتار شوند.

رویکرد «موضوع شناسی فلسفی» از بنیان های فلسفی آغاز و با شناخت ویژگی های ذاتی موضوع علوم، به نقشه ای هوایی از نظام موضوعات علم منتهی می شود (شکل ۱).



شکل ۱. رویکرد موضوع شناسی فلسفی

در این رویکرد^۳ علوم بر اساس موضوع خود به دو دسته کلی نظری و عملی تقسیم می شوند و چنانچه در بخش بیان مسئله مطرح شد، موضوع علم مدیریت شناخت کنش اجتماعی انسانی است (مکولی، جانسون و دوبرلی، ۱۳۸۹: صص ۱۴-۱۵)؛ بنابراین، علم مدیریت درزمره علوم انسانی و حکمت عملی قرار می گیرد و گزاره های آن از سنخ بایستاری و ادراکات اعتباری هستند. بنابر رأی مرحوم علامه، اگرچه اعتباریات با تکوینیات رابطه تولیدی ندارند، اعتبار دارای «باعث»

1. Positivism.
2. Objectivism.

۳. وجودشناسی موضوع تحقیق به لحاظ فلسفی.

و «غایتی» است که آدمی با غایتِ رفعِ نیاز، آنچه را که متلائم با قوای خود و در مسیر تحقق نیاز درمی‌یابد، اراده کرده و اعتبار و جوب می‌بخشد. در چهارچوبِ مبانی هستی‌شناختیِ اسلامی، عالم و نفسِ آدمی، ذومراتب است و هرچه از مراتب دانی به‌سوی مراتبِ عالی می‌رویم؛ قوای آدمی به وحدت می‌گراید. بر این اساس، غایت و باعثِ آدمی، مراتبِ عالی هستی خواهد بود؛ افزون بر اینکه فطرت این انسان در جهت همان غایات سرشته شده و نیازهای صادقش با همان غایات ارضا خواهد شد (پارسائیا، ۱۳۸۳؛ طباطبایی و مطهری، ۱۳۷۲ ب؛ طباطبایی، ۱۳۸۰، ۱۳۸۶).

بنابراین، در رویکرد موضوع‌شناسی، پژوهش در حوزه مدیریت اسلامی در زمره ادراکات اعتباری و در سه ساحت خواهد بود و هر ساحت، روش و شیوه تحقیق متناسب با خود را به‌دنبال خواهد آورد (نمودار ۱).

۱-۱-۳. ساحت کشف

ساحت اول، کشف است که در دو جنبه تکوینی و تدوینی قابل بررسی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: صص ۷-۱۰). جنبه تکوینی ناظر به مبانی و حقایقی است که اعتباریات بر آنها تکیه دارند. روش تحقیق در جنبه تکوینی - که منعکس شده در عقل است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: صص ۳۸-۶۰) - عبارت است از تأویل (طباطبایی، ۱۳۷۴ ب: صص ۸۱-۳۵). جنبه تدوین ناظر به دو حوزه تشریح و عرف است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص ۷۱). در حوزه تشریح - که منعکس شده در نقل و لسان شارع است - روش تفسیر و به‌طور مشخص، روش تفسیری مرحوم علامه طباطبایی استفاده خواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: صص ۱۶۰-۷۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ ب: صص ۲۲-۱). روش تحقیق در حوزه عرف، تحلیل و تفهم و با استفاده از عقل عرفی خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۹: صص ۷۲-۷۱)؛ ابراهیمی‌پور با اشاره به اعتباری‌بودن علوم اجتماعی در اندیشه علامه طباطبایی، ظرفیت بالای آرای ایشان را در به‌کارگیری انواع روش‌های تفهیمی به اثبات می‌رساند (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۰).

۱-۲-۳. ساحت ساخت

ساحت دوم، ساخت و تأسیس است. در این ساحت با استفاده از تطبیق و تفریع (خسروپناه، ۱۳۸۶) به ساخت اعتباریات در منظومه‌ای متلائم با اعتبار قرابت به مثابه اعتبار محوری پرداخته خواهد شد. آیت‌الله جوادی آملی کیفیت و شرایط حجیت این روش را تبیین کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: صص ۲۱۷-۲۱۶).

۳-۲-۳. ساحت تغییر

مسلماً تمامی آنچه در علوم انسانی غربی اعتبار شده است، کاذب نیست؛ چراکه در قضایای اعتباری ملاک حقانیت اعتباریات، «اثربخشی» آن است و حال چه بسیارند اعتباریاتی که بشر غربی در پاسخ به نیازهای جهان مادی اعتبار کرده است و صادق است. البته باید توجه داشت که بنابر ماهیت اعتباریات، انتخاب و اعتبار آن با انسان است، اما آثار و لوازم آن به اراده انسانی نخواهد بود؛ به عبارت دیگر، گزاره‌های انشایی، ناگزیر به سوی معانی معده‌ای کشیده می‌شود که شبکه‌ای از معانی، کنش‌ها، هنجارها و رفتارهای مرتبط را شکل می‌دهند. در مدیریت غربی، فرد خودمحور، با توجه به اصالت دادن به اراده خویش، بررسی آثار تکوینی اعتباریات را که از اختیار و اراده خود خارج می‌داند، مورد غفلت قرار داده است. شاید هم آن چنان آثار تلخی را در عرصه فرهنگ و تمدن خود می‌بیند که تغافل را پیشه خود کرده است. حال پژوهشگر حوزه علوم انسانی و اسلامی با توجه به این دقیقه و نظر به ساحت کشف در سه جنبه تکوین، تشریح و عرف از گرفتار شدن در این دام خواهد گریخت و آنچه از اعتباریات غربی را که خود نیز نیاز به استخدام آن دارد، در پرتو ساحت کشف، تغییر خواهد داد.



نمودار ۱ پژوهش در اعتباریات

۴. گردآوری داده‌ها

در این بخش، نگارنده مبتنی بر روش‌شناسی مطالعات اعتباریات - که در مرحله قبلی از قیل رویکرد «موضوع‌شناسی فلسفی» محقق شد - به ساحت کشف اعتباریات قدم می‌نهد و در ادامه با کشف

اعتبار «قرابت» به‌عنوان اعتبار محوری، در ساحت ساخت یکی از نمونه‌های منتج از محوریت قرابت را تفریع و در ساحت تغییر به تبیین اثرات آن در طرح سازمان می‌پردازد. ضمناً برای تنظیم گزاره‌های ساحت کشف از شیوه تحلیل مضمون استفاده خواهد شد. شایسته است تا بر روی تمایز میان «رویکرد» موضوع‌شناسی به تحقیق و استفاده از «روش»‌های متناسب با ساحت موضوع و «شیوه» تحلیل مضمون برای پیشبرد تحقیق تأکید شود.

تحلیل مضمون، یکی از مهارت‌های عام و مشترک در تحلیل‌های کیفی است (بویاتزیس^۱ ۱۹۹۸: ص ۴)؛ به همین دلیل، آن را نه روشی خاص بلکه ابزاری مناسب برای روش‌های ختلف معرفی می‌کند. رایان^۲ و برنارد^۳ نیز کدگذاری مضامین را فرایند پیش‌نیاز تحلیل‌های اصلی و رایج کیفی معرفی می‌کنند تا روشی منحصر به فرد و خاص (دنزین^۴ و لینکلن^۵، ۲۰۰۰).

فرایند کامل تحلیل مضمون را می‌توان به سه مرحله کلان تقسیم کرد (جدول ۱):

الف - تجزیه و توصیف متن،

ب - تشریح و تفسیر متن،

ج - ادغام و یکپارچه‌کردن مجدد متن.

کاربرد شیوه تحلیل مضمون زمانی است که تحلیل‌گر، به دنبال شناخت الگوهایی از معانی و موضوعات در داده‌ها باشد. نقطه پایان این فرایند نیز تهیه گزارشی از محتوا و معانی الگوها و مضامین در داده‌ها است.

- 1 . Boyatzis.
- 2 . Rayan.
- 3 . Bernard.
- 4 .Denzin.
- 5 . Lincoln.

جدول ۱. فرایند گام به گام تحلیل مضمون
(عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ص ۱۷۸)

مرحله	گام	اقدام
۱- تجزیه و توصیف متن	آشنا شدن با متن	- مکتوب کردن داده‌ها (در صورت لزوم) - مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده‌ها - نوشتن ایده‌های اولیه
	ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	- پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین - تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر - کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها
	جست و جو و شناخت مضامین	- تطبیق دادن کدها با قالب مضامین - استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاشته متن - پالایش و بازیابی مضامین
۲- تشریح و تفسیر متن	ترسیم شبکه مضامین	- بررسی و کنترل هم‌خوانی مضامین با کدهای مستخرج - مرتب کردن مضامین - انتخاب مضامین پایه، سازمان دهنده - ترسیم نقشه (های) مضامین - اصلاح و تأیید شبکه (های) مضامین
	تحلیل شبکه مضامین	- تعریف و نام‌گذاری مضامین - توصیف و توضیح شبکه مضامین
۳- ترکیب و ادغام متن	تدوین گزارش	- تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن - استخراج نمونه‌های جالب داده‌ها - مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات تحقیق و مبانی نظری - نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها

نکته بسیار مهم این است که نگارنده با توجه به ادعای مطرح شده در بخش پیشینه پژوهش، مبنی بر ضرورت بهره‌مندی از آثار متخصصان و اندیشمندان معارف اسلامی و هشدار تلویحی به پیامدهای بهره‌جویی ناقص اندیشمندان مدیریتی که در حوزه معارف اسلامی تخصص ندارند - تعقل، تأویل و تفسیر را به آثار اندیشمندان و علمای بزرگ اسلام محول می‌کند.

درواقع، چنانچه در روش‌شناسی مبتنی بر رویکرد «موضوع‌شناسی» به دست آمد، کشف یک اعتبار در معارف اسلامی، در حوزه‌های مختلف و با استفاده از روش‌های متناسب با هر حوزه محقق خواهد شد، نگارنده برای پرهیز از آفات و آسیبی که در حوزه آثار مدیریت اسلامی اشاره

شد، از شیوه تحلیل مضمون با دیدگاهی نیابتی استفاده خواهد کرد. منظور از دیدگاه نیابتی آن است که برای گام اول شیوه تحلیل مضمون، که استخراج مضامین است، از مضامینی استفاده می‌کند که علمای بزرگ اسلام متناسب با روش‌های ساحات کشف ارائه می‌دهند. جدول ۲ نشان‌دهنده یک نمونه از این شیوه تحلیل مضمون به اصطلاح نیابتی است که از تفسیر گران‌سنگ میزان به دست آمده است و به روشنی نشان می‌دهد که استخراج مضامین از آیات و روایات، مستلزم تخصص‌های چندگانه‌ای است که در حقیقت، ضروری است تا متخصصان مدیریت برای پیشبرد حوزه مدیریت اسلامی از علمای بزرگ اسلام چون مرحوم علامه طباطبایی کمک گیرند.

جدول ۲. نمونه استخراج مضامین به شیوه به اصطلاح نیابتی

ردیف	آیه شریفه	نشانهگر	مضامین اصلی (کد)
۵۱	• الإسراء : ۵۷ أولئك الذين يدعون يتبعون إلى ربهم الوسيلة أيهم أقرب و يرجون رحمتهم و يخافون عذابه إن عذاب ربك كان محذورا	PJ ₁₅ E ₁	«أَيْهَمُّ أَقْرَبُ» بیان وسیله جویی (استناد علامه به همنشینی یا ابتغاء)
		PJ ₁₅ E ₂	وسيله به معنای تقرب و توسل
		PJ ₁₅ E ₃	ضرورت توسل و اخذ وسیله در راه تقرب (با استناد به آیه ۳۵ مانده: «يا أيها الذين آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»)
		PJ ₁₅ E ₄	نهی استقلال وسیله (اشاره به ادله شرک)

۱-۴. ساحات کشف، جنبه تکوین

ساحت کشف با دو جنبه تکوینی و تشریحی دنبال می‌شود؛ در جنبه تکوینی مدعی است بر اساس مبانی اومانیزم، زمانی که اصالت به انسان داده می‌شود تدقیق و تحقیق عالمانه و حکیمانه در پرتو «جهانی‌بینی» که به اعتقاد نگارنده «مشمول» - و نه تفکیک‌شده - بر حوزه‌های هستی‌شناختی و انسان‌شناختی است در فروکاستی تاریخی به حوزه‌های تفکیک‌شده هستی‌شناختی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی محوّل می‌شود؛ آنگاه طی غفلتی مستکبرانانه^۱ سخن از شناخت مبدأ و معاد مهمّل می‌نماید و «عالم دنیا» و «رقابت در تحصیل منافع متلائم با خواهش‌های نفسانی فرد خودمحور

۱. اشاره به آیه شریفه «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۳۴) دارد. اعتقاد نگارنده در این است که استکبار مراتبی دارد که خروج آدمی و فرد خودمحور غربی از ولایت و تدبیر الهی یکی از شئون و مراتب آن است.

غربی» مبنا و غایت نظریه پردازی‌ها قرار می‌گیرد. بر این اساس، ضروری است تا هرگونه تحقیقی در حوزه مدیریت اسلامی بازگشت و نظر به مبدأ و معاد داشته باشد که در آثار مدیریت غربی از آن غفلت شده است. این گونه شناخت از مبدأ و مقصود خواهد بود که جایگاه آدمی و نقش کنش‌های اجتماعی وی را در عالم آفرینش تعیین می‌کند.

در این بخش از تحقیق نیز نگارنده برای پرهیز از گرفتار آمدن در نقطه‌ضعفی که در آسیب‌شناسی آثار مدیریت اسلامی بدان اشاره شد، از ۳۷ اثر فلسفی و عرفانی^۱ با محوریت شرح فصوص الحکم و همچنین، از پایان‌نامه آقای خانی^۲ استفاده کرده است که به‌علت کثرت مستندات مجال ارائه آنها در این مقاله نیست و تنها می‌توان به سیر بحث و ثمرات آن اشاره اجمالی داشت.^۳

بر این اساس، ابتدا به شناخت جایگاه آدم در عالم پرداخته شد و مبدأ و معاد انسان، که خدای متعال در خلقت او آفریده است، تبیین شد. ثمره سیر در جنبه تکوینی از ساحت کشف این شد که حق تعالی به‌عنوان تنها مصداق حقیقی کمال، یگانه موجودی است که همه کمالاتی که در عوالم گوناگون و به‌حسب مشاهده و مناظر متفاوت یافت می‌شود، ظهور تفصیلی کمالات او هستند و هرکدام از مخلوقات به‌اندازه سعه و ظرفیت وجودی خود کمالات او را به نمایش می‌گذارند.^۴ این نمایش و ظهور کمالات که در جمیع عوالم و به اندازه بهره‌ای است که موجودات

۱. ابن عربی (۶۳۸)؛ ابن فارض و فرغانی (۱۳۷۹)؛ ابن فهد حلی (۱۳۸۱)؛ اسکندری (۱۴۲۴)؛ آملی (۱۳۶۸)، ۱۳۸۲، ۱۴۲۲ الف، ۱۴۲۲ ب؛ بابا رکن، مظلومی، همایی (۱۳۵۹)؛ آملی (۱۴۲۲ ج)؛ پارسانیا (۱۳۹۱)؛ جامی (۱۳۸۳)، ۱۳۷۰)؛ حسن زاده آملی (۱۳۷۵)؛ خانی (۱۳۹۳)؛ امام خمینی (۱۳۷۰)؛ سبزواری خراسانی (۱۳۸۶)؛ سبزواری (۱۳۷۴)؛ شاه آبادی (۱۳۸۶)؛ شیرازی (۱۳۶۸ الف، ۱۳۶۸ ب)؛ صدرالدین قونوی (۱۳۷۱)؛ صفی علیشاه (۱۳۶۰)، ۱۳۷۱، ۱۳۷۸)؛ طباطبایی (۱۴۲۸)؛ عبدالرزاق کاشی (۱۳۸۰)؛ غراب (۱۴۱۴)؛ فانی شیرازی دهدار (۱۳۷۵)؛ قیصری (۱۳۷۰، ۱۳۷۵)؛ لاهیجی (۱۳۸۱)؛ محمد زمانی (۱۳۹۲)؛ مهانمی، علی بن احمد (۱۴۲۸)؛ موسوی خلخالی (۱۳۸۳)؛ میرزا بابا شیرازی (۱۳۶۳)؛ نعمت الله ولی (۱۳۸۰)؛ ابن عربی (۶۳۸).

۲. پایان‌نامه‌ای با قوت علمی بالا که بخشی از مسیر را پیموده بود؛ البته نگارنده برای حفظ امانت، به‌طور مستقل در تمامی مستندات پژوهش تحقیق کرده و مستندات بیشتری را گردآوری کرده است.

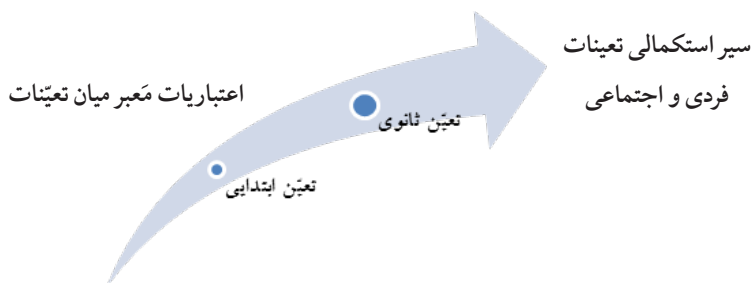
۳. به‌علت کثرت منابع و مستندات، از خواننده محترم دعوت می‌شود داده‌های گردآوری شده را در پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق علیه السلام (۱۳۹۴) و با عنوان همین مقاله دنبال کند.

۴. «اعلم أنّ هذا الوجود أو الحقّ تعالی الذی ثبت إطلاقه و بدهاته و وجوبه و وحدته، نقلاً و عقلاً و کشفاً- لهُ ظهور و کثرة فی صور المظاهر و المجالی، اعتباراً و حقیقه، اجمالاً و تفصیلاً، و ان کان لا کثرة له، لا اعتباراً و لا حقیقه، لا اجمالاً و لا تفصیلاً، لانه تعالی من حیث ذاته، منزّه عن جمیع ذلک، مستغن عمّا عداه و ان کان، من حیث صفاته و أسماؤه و کمالاته و خصوصياته، عین کلّ واحد منها، غیر مستغن عنها» (آملی، ۱۳۶۸، ص: ۶۵۹)؛ «و الغرض أنّه لیس فی الوجود الا هو و مظاهره المسماة بالخلق و العام و غیر ذلک، و ان کان له فی کلّ مظهر حکم دون غیره بحسب الأسماء و الصفات و الکمالات» (آملی، ۱۳۶۸، ص: ۶۶۷) ... «أنّ کلّ موجود بالنسبة إليها فان بنفسه أولاً و أبداً، کوجود الاعداد بالنسبة الی الواحد مثلاً، أو الاعراض الی الجوهر، أو الصورة الی الهیولی» (آملی، ۱۳۶۸، ص: ۶۶۸).

از وجود برده‌اند، موجب پیدایش کثرتی از جلوات حق سبحانه و تعالی می‌شود که خود، مانع شهود حق تعالی به‌عنوان یگانه مصداق حقیقی کمال می‌شود و در نتیجه، وحدت و احاطه قیومی حق تعالی بر این کثرات به حجاب می‌رود و دیگر قابل رؤیت نیست.^۱ بر این اساس، در نظام آفرینش باید موجودی به ظهور رسد که با سعه وجودی خود بتواند درعین داشتن همگی این کثرات وجودی و اظهار کمالات به‌نحو تفصیلی، در او کثرت بر وحدت غلبه نیابد و هم‌زمان جامع مقام وحدت و کثرت باشد و این موجود کسی نیست جز وجود مبارک انسان کامل.

در ادامه به اثبات رسید که ظهور حداکثری کثرات در بستر حیات اجتماعی محقق می‌شود و در نتیجه این حیات اجتماعی است که بستر ظهور مقامات انسان کامل است. همچنین، در صورتی می‌توان از قرب به کمال سخن به‌میان آورد که جامعه و سازمان، فراتر از امور اعتباری، حقیقتی فرا اعتباری و اصیل داشته باشد. با تبیین برهان اصالت حیات اجتماعی، نقش اعتباریات در تحقق هویت وجودی اجتماع مشخص شد. به بیان اجمالی، اثبات شد که مطلق اعتباریات اعم از فردی و اجتماعی، سازوکار عملکردی یکسانی دارند و چنین است که همه و همه توسط اراده انسانی به‌عنوان غایت، جهت ایجابی یافته و آدمی خود را به اقتضانات آن غایت (تعین) ملتزم می‌کند؛ از این تعین خاص اجتماعی با عنوان فرهنگ یاد شده است (پارسانیا ۱۳۹۱؛ محمد زمانی ۱۳۹۲). می‌توان این سازوکار را در بیانی ساده «تلبس به یک تعین خاص» دانست؛ این تعین که همان غایت اعتبار است در پرتویک یا چند اعتبار محقق خواهد شد و پس از تحقق غایت - که در واقع تعین جدیدی است - اقتضانات تعین جدید به‌نحو ضروری ظهور می‌یابد (شکل ۲).

با این بیان می‌توان آنچه در ادبیات با عنوان آثار تکوینی اعتباریات (پارسانیا، ۱۳۹۱: صص ۲۸-۲۷) مطرح شده است را تبیین کرد.



شکل ۲. کارکرد اعتباریات در هویت اجتماعی

۱. ر. ک.: قیصری، داود بن محمود (۱۳۷۵: صص ۳۹۷-۳۹۶).

درضمن، استفاده از نگاره‌ای پیوستارگونه (شکل ۲)، به این سبب است که تحقق یک تعین اجتماعی به نحو تدریجی و یا تشکیکی صورت می‌پذیرد و به تبع آن، اعتباری بودن یا غیراعتباری بودن احکام آن اجتماع نیز متأثر از میزان تحقق آن تعین اجتماعی، «تدریجی» یا «تشکیکی» است و اتحاد افراد متعدد یک اجتماع به میزان ارتباط وجودی آنها با آن تعین اجتماعی، می‌تواند دارای شدت و ضعف متفاوتی باشد.

۲-۴. ساحت کشف جنبه تدوین

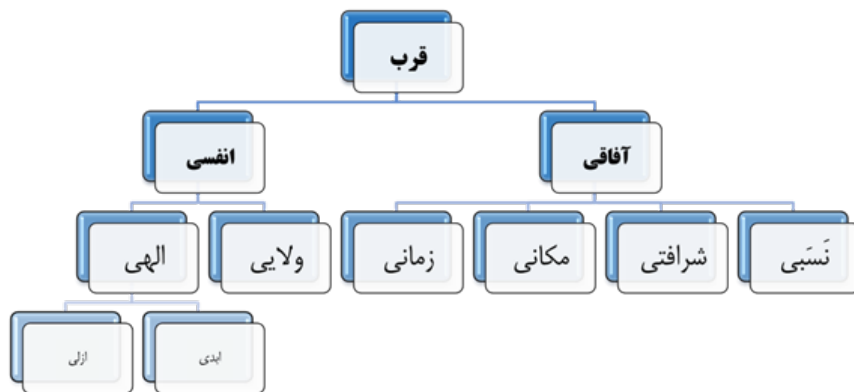
در این مرحله با تمسک به قرآن و عترت پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) به شناسایی مضامین مرتبط با قرابت پرداخته شد.^۱

در بخش اول از مطالعات قرآنی با مرور آیه به آیه قرآن کریم به استخراج «قرابت» و دیگر مشتقات ماده «قَرَبَ» پرداخته شد. پس از احصای ۳۶ صیغه با تکرار ۸۲ مرتبه در مجموع ۹۱ آیه از این ماده، ابتدا به تفسیر ارزشمند المیزان اثر مرحوم علامه طباطبایی مراجعه و نکات تفسیری مربوط به آیات - که در شناخت مفهوم قرابت مؤثر است - جمع‌آوری شد. در مرحله بعد با مراجعه به کتب اربعه و بحارالانوار و شروح و ترجمه‌های آنها به استخراج احادیث تفسیری و نکات مفهوم‌شناسی قرب ذیل هریک از آیات ذکر شده پرداخته شد. ثمره این بخش ۱۵۶ مضمون شد.

در بخش دوم از مطالعات قرآنی با توجه به اینکه مضامین مرتبط با قرب صرفاً محدود به آیاتی نیست که صیغ این ماده در آنها به کار رفته‌اند، از فرهنگ قرآن استفاده شده و ۶۵ مضمون دیگر فارغ از قید استعمال ماده «قَرَبَ» استخراج شد.

همچنین، مطالعه‌ی روایی مستقلی در بحارالانوار با کلیدواژه‌های ابتدایی «قرابت، قرب، قربان، تقرب اقارب و مقرب» و کلیدواژه‌های ثانوی و مرتبط «آل، اهل، رحم، رهط و عشیره» صورت گرفت و در مجموع ۱۳۶ مضمون از این مطالعه‌ی روایی حاصل شد.

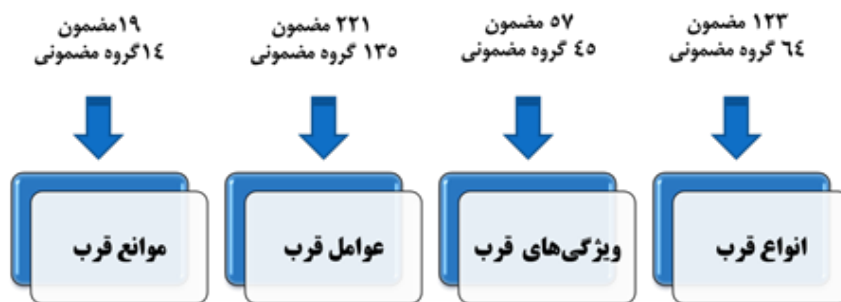
۱. به‌علت کثرت منابع و مستندات، از خواننده محترم دعوت می‌شود داده‌های گردآوری‌شده را در پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق علیه السلام و با عنوان همین مقاله دنبال کند.



نمودار ۲. مضامین سازمان‌دهنده مستخرج از ساحت کشف، جنبه تدوین

در مجموع، پس از استخراج مضامین از آیات قرآن کریم و نیز روایات اهل بیت علیهم السلام، مضامین سازمان‌دهنده (مفاهیم) و مضامین فراگیر (مقولات) مرتبط انتزاع و حاصل شد (نمودار ۲). بر این اساس، انواع قرب در دو مفهوم کلی قرب آفاقی و قرب انفسی نمودار شد؛ قرب آفاقی مشتمل بر چهار نوع قرب زمانی، قرب مکانی، قرب شرافتی و قرب نسبی است و قرب انفسی مشتمل بر دو نوع قرب الهی (اعم از ازلی و ابدی) و قرب انسانی است.

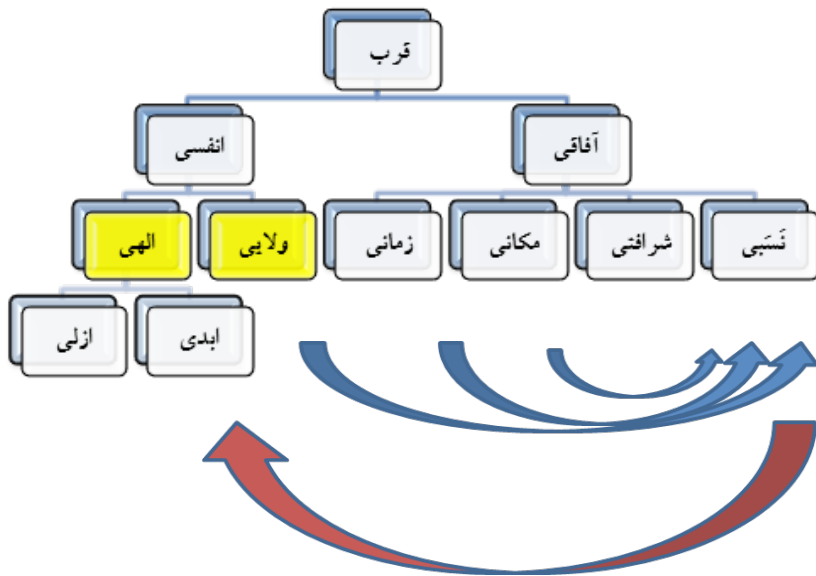
مضامین سازمان‌دهنده (مفاهیم) حاصل، در انتزاعی کلی‌تر، نمایانگر یکی از مضامین فراگیر (مقولات): انواع، ویژگی‌ها، عوامل و موانع قرب است که ذکر آنها در این مقاله نمی‌گنجد (نمودار ۳).



نمودار ۳. مضامین فراگیر مستخرج از ساحت کشف، جنبه تدوین

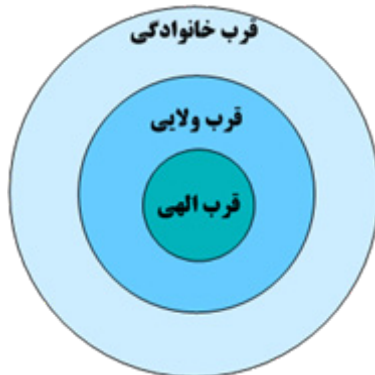
۳-۳. ساخت ساخت و تغییر

اولین فرضیه محصل از تحقیق این است که انواع قرب آفاقی را با توجه به اینکه یک خانواده، قرابت زمانی، مکانی و شرافتی دارند، می توان بر قرب نسبی و خانوادگی محول کرد اما این رابطه برای بقیه اقسام قرب آفاقی امکان پذیر نیست. همچنین، از عوامل و ویژگی های حاصل برای قرب، می توان گفت قرب خانوادگی نیز به عنوان شاخصه قرب آفاقی، بر قرب انسانی (ولایی) محول می شود. (نمودار ۴)



به بیان دیگر، قرابت به حق سبحانه و تعالی در جهان بینی اسلامی در پرتو قرب آفاقی و انفسی محقق خواهد شد؛ قرب آفاقی در هسته اصلی خود قرب خانوادگی و نسبی است که در افقی بالاتر نمایندگی قرب انسانی را خواهد داشت و این قرب انسانی که در پرتو ولایت پذیری انسان کامل محقق می شود، موجب وصول به حق سبحانه و تعالی می شود (شکل ۳).

۱. به عنوان نمونه، در موارد متعددی نسبت وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم - که حقیقت قرب انسانی و ولایی هستند - با اجتماع، به مثابه روابط «ابوت» و خانوادگی آمده است.



شکل ۳. مراتب قرب

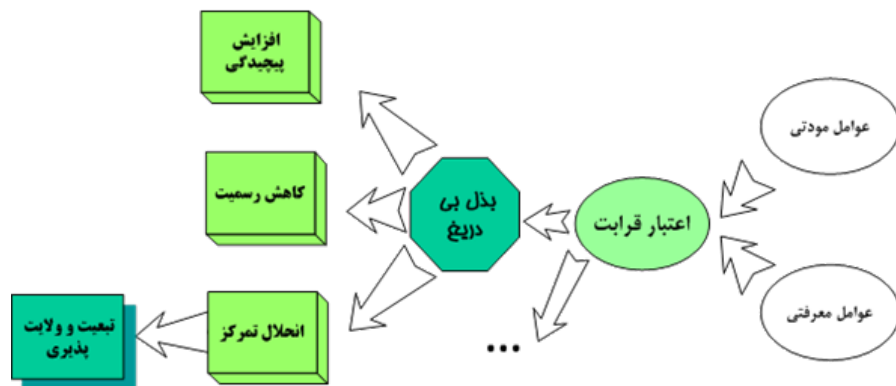
از ویژگی‌ها و عوامل قرب می‌توان گزاره‌های متعددی را برای تبیین اثرات قرب محوری در عرصه سازمان نتیجه گرفت؛ به عنوان نمونه، یکی از این ویژگی‌های به دست آمده «بذل بی دریغ» است. اثرات بذل بی دریغ را در ساخت ساخت و تغییر می‌توان این گونه تبیین کرد: در صورتی که از هیچ کدام از قرب انفسی و آفاقی غفلت نشود از تعیینات ساختارهای سازمانی کاسته می‌شود؛ با توجه به بذل بی دریغ ناشی از قرب محوری، افراد صرفاً به وظایف شغلی‌شان که مندرج در شرح شغل است محدود نخواهند بود، بلکه تا حد امکان برای کمک به دیگران اقدام خواهند کرد و در نتیجه، پیچیدگی بالا می‌رود. با توجه به اینکه ریشه مسئله رسمیت به کنترل بازمی‌گردد و اساساً کنترل به معنای امروزی آن در نظریه سازمان و مدیریت بیش از هر چیز ناشی از تراحمات رقابت بر سر حصول منافع مادی است؛ بنابراین، می‌توان استنباط کرد که این رسمیت کاهش می‌یابد. همچنین، مسئله تمرکز منحل می‌شود؛ چراکه از سویی با استدلال سابق می‌توان اشاره کرد که «تمرکز» زمانی مسئله است که منافع فردی محوریت یابد و در نتیجه از طریق تمرکز تصمیم‌گیری در سطوح عالی سازمان، تراحمات را تدبیر کرد. حال آنکه با محوریت یافتن حرکت جمعی در پرتو قرب محوری این تراحمات منحل و در نتیجه تمرکز از این جهت منحل می‌شود؛ از سویی دیگر، با نظر به ضرورت تبعیت، چه در قرب آفاقی و چه در قرب انفسی به نظر می‌رسد در تحلیل سازمانی، مفهوم تمرکز جای خود را به مفاهیمی نظیر ولایت‌پذیری و تبعیت می‌دهد.

۵. نتیجه‌گیری

در اندیشه و جهان‌بینی اسلامی، کمال حقیقی خدای متعال است و همه کنش‌های فردی و اجتماعی در پی تحقق و وصول به این کمال حقیقی تدبیر می‌شود. وصول به این کمال حقیقی،

اشتدادی و تدریجی است و آدمی به هر میزان که از وجود بهره‌مند باشد به همان اندازه به این حقیقت نزدیکی پیدا کرده و مجلا و مظهر آن می‌شود. انسان که طی قوس نزول به مادون مراتب عالم هبوط کرده است با مکانیسم اعتباریات قوا و استعدادهای خود را به منصه ظهور می‌رساند تا طی قوس صعود در نظام تشریح به حقیقت عالم بازگردد.

نتیجه تحقیق آن است که قرابت به حق سبحانه و تعالی در جهان‌بینی اسلامی در پرتو قرب آفاقی و انفسی محقق خواهد شد؛ قرب آفاقی در هسته اصلی خود قرب خانوادگی و نسبی است که در افقی بالاتر نمایندگی قرب انسانی را خواهد داشت و این قرب انسانی که در پرتو ولایت‌پذیری انسان کامل محقق می‌شود، موجب وصول به حق سبحانه و تعالی می‌شود. این روابط خانوادگی منحصر در انساب نیست بلکه مناسبات قرب بیشتر، ایمان بیشتر است، تا آنجا که در روایات تقدیم اخوان المؤمنین بر انساب سفارش شده است. هر چه این قرب بیشتر می‌شود مرحمت افراد به هم بیشتر می‌شود. از عوامل احصاشده قرب می‌توان استنباط کرد که در یک جامعه اسلامی نظیر سازمان اسلامی، حرکت و رشد جمعی است و این حرکت جمعی به خاطر منفعت شخصی و مادی توجیه نمی‌شود، بلکه به جای رقابت بر سر حصول منافع مادی، رقابت در قرابت شکل می‌گیرد. از ویژگی‌ها و عوامل قرب می‌توان گزاره‌های متعددی را برای تبیین اثرات قرابت محوری در عرصه سازمان نتیجه گرفت (شکل ۵). به‌عنوان نمونه یکی از این ویژگی‌های به‌دست‌آمده «بذل بی‌دریغ» است. این بذل بی‌دریغ به‌مثابه «اعتبار» محوری قرابت، عوامل دوگانه‌ای در ساحت اندیشه و انگیزه دارد که می‌توان با توجه به عوامل محصل قرب، از آنها با عنوان مودت و معرفت نام برد. می‌توان گفت در صورت محوریت یافتن قرابت در اعتباریات فردی و اجتماعی، از تعینات ساختار سازمانی کاسته می‌شود؛ با توجه به بذل بی‌دریغ ناشی از قرابت محوری، پیچیدگی بالا می‌رود. چراکه افراد محدود به وظایف مندرج در شرح شغل نخواهند بود و برای انجام هر کار مقدوری «بذل بی‌دریغ» خواهند داشت. همچنین، رسمیت کاهش می‌یابد؛ زیرا منشأ رسمیت به کنترل بر می‌گردد. حال آنکه با فرادش و تغییر معنای کمال، رقابت بر سر منافع مادی و تبعاً تراحمات ناشی از عالم ماده کاهش می‌یابد و در نتیجه، رسمیت کاهش خواهد یافت؛ افزون بر این، «بذل بی‌دریغ» پیش‌فرض عدم اعتماد را که یکی از بنیان‌های کنترل و تبعاً رسمیت است، تحت الشعاع قرار خواهد داد. همچنین، نظیر استدلال پیشین مسئله تمرکز منحل می‌شود و به نظر می‌رسد در تحلیل سازمانی، مفهوم تمرکز جای خود را به مفاهیمی نظیر ولایت‌پذیری و تبعیت می‌دهد.



شکل ۵. قرابت محوری؛ ساحت ساخت و تغییر

کتابنامه

• قرآن کریم

۱. آملی، ح. ۱۳۶۸. نقد النقود فی معرفة الوجود (جامع الاسرار و منبع الانوار). تهران. شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۲. _____ ۱۳۸۲. انوار الحقیقة و اطوار الطریق و اسرار الشریعه. قم. نور علی نور.
۳. _____ ۱۴۲۲ الف. تفسیر المحيط الاعظم و البحر الاخضم فی تاویل کتاب الله العزیز المحکم. ج ۱. قم. العهد الثقافی نور علی نور.
۴. _____ ۱۴۲۲ ب. تفسیر المحيط الاعظم و البحر الاخضم فی تاویل کتاب الله العزیز المحکم. ج ۲. قم. العهد الثقافی نور علی نور.
۵. _____ ۱۴۲۲ ج. تفسیر المحيط الاعظم و البحر الاخضم فی تاویل کتاب الله العزیز المحکم. ج ۳. قم. العهد الثقافی نور علی نور.
۶. ابراهیمی پور، ق. ۱۳۹۰. «روش شناسی اندیشه اجتماعی دورکیم، وینچ و علامه طباطبائی». معرفت اجتماعی و فرهنگی. ۲(۴). صص ۱۲۴-۱۰۳.
۷. ابن عربی، م. ۶۳۸. الفتوحات المکیه. ج ۳. بیروت. دار الصادر.
۸. ابن فارض، م؛ فرغانی، س. ۱۳۷۹. مشارق الدراری شرح تائیه ابن فارض. قم. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۹. ابن فهد حلّی، ا. ۱۳۸۱. آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز. ترجمه عدة الداعی و نجاح الساعی همراه با شرح اسماء الله. تهران. کیا.
۱۰. احسانی، م. ۱۳۷۹. «تربیت سیاسی کارگزاران در مدرسه امام علی علیه السلام». معرفت. ۳۹. صص ۱۷-۲۱.
۱۱. ازگلی، م؛ عابدی جعفری، ح. ۱۳۸۷. «مروری بر سیر تحقیقات مدیریت اسلامی در ایران». مصباح. ۱۱۷(۱). صص ۲۹-۵۲.
۱۲. اسکندری، ا. ۱۴۲۴. اللطائف الالهیه فی شرح مختارات من الحكم العطائیه لابن عطاء الله السکندری. بیروت. دار الکتب العلمیه.
۱۳. اعتصامی، م؛ فاضلی کبریا، ح. ۱۳۸۸. «درآمدی بر الگوی مدیریتی امام علی علیه السلام از منظر مؤلفه های سرمایه اجتماعی». اندیشه مدیریت. ۶: صص ۱۲۸-۱۲۱.
۱۴. اعرافی، ع. ۱۳۸۰. «نگرش به حکومت و مدیریت از منظر امام علی علیه السلام». روش شناسی علوم انسانی. ۲۶: صص ۲۲-۴۵.
۱۵. امام خمینی، ر. ۱۳۷۰. آداب الصلاة. تهران. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة الله علیه).
۱۶. امیری، ع. ۱۳۸۸. «مدیریت اسلامی رویکرد فقهی-اجتهادی». روش شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه). ۱۵(۱): صص ۱۲۸-۱۱۱.
۱۷. بابارکنا، م؛ مظلومی، ر؛ همایی، ج. ۱۳۵۹. نصوص الخصوص فی ترجمه الفصوص. تهران. مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل.
۱۸. بشیر، ح. ۱۳۸۵. «سیمای کارگزاران در مدیریت اسلامی». اندیشه حوزه. ۶۱: صص ۱۶۰-۱۱۵.
۱۹. بهارستان، ج. ۱۳۸۳. «مطالعه تطبیقی مدیریت اسلامی و مدیریت رایج». مدرس علوم انسانی. ۸(۵): صص ۱-۳۶.
۲۰. پارسانیا، ح. ۱۳۸۳. هستی و هیوط. قم. نشر معارف.
۲۱. _____ ۱۳۸۹. روش شناسی انتقادی حکمت صدرایی. قم. کتاب فردا.
۲۲. _____ ۱۳۹۱. جهان های اجتماعی. قم. کتاب فردا.

۲۳. پیغامی، ع. ۱۳۸۷. «تحلیل مبادی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مسئله عدالت در اندیشه استاد مرتضی مطهری (ره)». مطالعات اقتصاد اسلامی. ۱(۱): صص ۱۷۳-۲۰۰.
۲۴. تقوی رفسنجانی، م. ۱۳۸۱. «نقش سلامت کارگزاران حکومتی در ثبات و کارایی نظام‌های سیاسی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام». اندیشه صادق. ۸ و ۹: صص ۷۸-۸۳.
۲۵. توکلی، ع. ۱۳۹۱. «تحلیل جایگاه ارزش‌ها در مدیریت؛ گامی در نظریه‌پردازی مدیریت اسلامی». روش‌شناسی علوم انسانی. ۱۸(۷۱): صص ۹۹-۱۱۷.
۲۶. ثواقب، ج. ۱۳۸۰. «کارگزاران حکومت و راهکارهای اصلاحات». حکومت اسلامی. ۲۲: صص ۱۴۷-۱۷۷.
۲۷. جامی، ع. ۱۳۷۰. نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص. تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۸. _____ ۱۳۸۳. اشعه اللمعات. قم. بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۲۹. جواد آملی، ع. ۱۳۸۶ الف. رحیق مختوم: شرح جلد اول اسفار (۱-۴). قم. اسراء.
۳۰. _____ ۱۳۸۶ ب. رحیق مختوم شرح جلد اول اسفار. شرح جلد اول اسفار (۱-۱). قم. اسراء.
۳۱. _____ ۱۳۸۶ ج. رحیق مختوم شرح جلد اول اسفار. شرح جلد اول اسفار (۱-۳). قم. اسراء.
۳۲. _____ ۱۳۸۸. شمس الوحی تبریزی. قم. اسراء.
۳۳. _____ ۱۳۸۹. منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم. اسراء.
۳۴. چاووشی، س. ۱۳۸۸. «بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی». پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم. ۱(۲): صص ۴۴-۵۳.
۳۵. حبیبی، ر. ۱۳۹۰. غرب‌شناسی مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی مدرنیته. زیر نظر سیداحمد رهنمایی. قم. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله علیه).
۳۶. حسن‌زاده آملی، ح. ۱۳۷۵. هزار و یک کلمه. قم. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مرکز انتشارات.
۳۷. حق‌پناه، ر. ۱۳۷۹. «فلسفه‌مندی حکومت از دیدگاه امام علی علیه السلام». اندیشه حوزه. ۲۶: صص ۱۵۸-۱۹۲.
۳۸. _____ ۱۳۸۰. «شایسته‌سالاری در نظام علمی». اندیشه حوزه. ۳۲ و ۳۱: صص ۱۹۱-۲۱۸.
۳۹. خانی، ی. ۱۳۹۳. «ظرفیت تمدن‌سازی آموزه ولایت براساس نظریه انسان کامل از منظر سید حیدر آملی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۴۰. خزعلی، ا. ۱۳۸۱. «اصول چهارگانه حکومت از دیدگاه نهج البلاغه». نهج البلاغه. ۴ و ۵: صص ۶۱-۷۰.
۴۱. خسروپناه، ع. ۱۳۸۶. «آسیب‌شناسی دین‌پژوهی معاصر». کتاب نقد. ۴۴: صص ۱۳۰-۱۱۰.
۴۲. خنیفر، ح. ۱۳۸۴ الف. «ارائه الگوی مدیریت بومی مبتنی بر دیدگاه امام علی علیه السلام با استفاده از مدل مفهومی سه‌شاخگی». فرهنگ مدیریت. ۸: صص ۱۰۱-۱۴۶.
۴۳. _____ ۱۳۸۴ ب. «تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی با تأکید بر آثار منتخب». فرهنگ مدیریت. ۱۵۱: صص ۲۰۱-۱۵۱.
۴۴. دلشاد تهرانی، م. ۱۳۸۸. دلالت دولت: آیین‌نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر. تهران. دریا.
۴۵. رحمانی، م. ۱۳۷۹. «ملاک‌گزینش کارگزاران در حکومت علوی». حکومت اسلامی. ۱۸: صص ۲۱۴-۲۳۷.
۴۶. رستمیان، م. ۱۳۷۹. «وظایف و مسئولیت‌های حاکم در نگاه امام علی علیه السلام». حکومت اسلامی. ۱۸: صص ۹۸-۱۲۵.
۴۷. رضائیان، ع. ۱۳۸۷. مبانی سازمان و مدیریت. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۴۸. سبزواری خراسانی، م. ۱۳۸۶. شرح گلشن راز (سبزواری). تهران. نشر علم.

۴۹. سبزواری، ه. ۱۳۷۴. شرح مثنوی (سبزواری). ج ۱. تهران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۰. سهرابی، ب؛ اعظمی، ا؛ یزدانی، ح. ۱۳۹۰. «اسبب‌شناسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فراترکیب». چشم‌انداز مدیریت دولتی. ۶: صص ۲۴-۹.
۵۱. سید علی‌پور، س. ۱۳۸۳. «نقش تشویق و تنبیه در مدیریت اسلامی». پژوهشگر. (۱۱): صص ۹۴-۱۰۶.
۵۲. شاه‌آبادی، م. ۱۳۸۶. رشحات البحار. تهران. پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۳. شیرازی، ص. ۱۳۸۵. الحاشیه علی‌الهیة الشفاء. قم. انتشارات بیدار.
۵۴. _____ ۱۳۸۶ الف. الحکمة المتعالیه فی اسفار العقلیه الاربعه. ج ۹. قم. مکتبه المصطفی.
۵۵. _____ ۱۳۸۶ ب. الحکمة المتعالیه فی اسفار العقلیه الاربعه. ج ۳. قم. مکتبه المصطفی.
۵۶. صدرالدین قنوی، م. ۱۳۷۱. النصوص. تهران. مرکز نشر دانشگاهی.
۵۷. صفی‌علیشاه، م. ۱۳۶۰. اسرار المعارف. تهران. اقبال.
۵۸. _____ ۱۳۷۱. عرفان الحق. تهران. صفی‌علیشاه.
۵۹. _____ ۱۳۷۸. تفسیر قرآن صفی‌علی‌شاه. تهران. منوچهری.
۶۰. طباطبایی، م؛ مطهری، م. ۱۳۷۲ الف. اصول فلسفه و روش رئالیسم. ج ۱. تهران. صدرا.
۶۱. _____ ۱۳۷۲ ب. اصول فلسفه و روش رئالیسم. ج ۲. تهران. صدرا.
۶۲. _____ ۱۳۷۲ ج. اصول فلسفه و روش رئالیسم. ج ۳. تهران. صدرا.
۶۳. طباطبایی، م. ۱۴۲۸ ق. الانسان و العقیده. قم. باقیات.
۶۴. _____ ۱۳۷۴ الف. ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۳. قم. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۵. _____ ۱۳۷۴ ب. ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۱. قم. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۶. _____ ۱۳۷۴ ج. ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۱۹. قم. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۷. _____ ۱۳۸۰. نهایه الحکمه. قم. مؤسسه النشر الاسلامی.
۶۸. _____ ۱۳۸۶. بدایه الحکمه. قم. مؤسسه النشر الاسلامی.
۶۹. عابدی جعفری، ح؛ تسلیمی، م؛ فقیهی، ا؛ شیخ‌زاده، م. ۱۳۹۰. «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». اندیشه مدیریت راهبردی. ۱۰: صص ۱۵۱-۱۹۸.
۷۰. عبدالرزاق کاشی، ع. ۱۳۸۰. مجموعه رسائل و مصنفات. تهران. مرکز نشر میراث مکتوب.
۷۱. علی‌خانی، ا. ۱۳۸۹. «تحلیل معناشناختی "قرب الی‌الله" در قرآن کریم». قرآن‌شناخت. (۱)۳: صص ۱۰۹-۱۴۴.
۷۲. غراب، م. ۱۴۱۴. الانسان الكامل من کلام شیخ الاکبر. دمشق. دار الکاتب العربی.
۷۳. فانی شیرازی دهدار، م. ۱۳۷۵. رسائل دهدار. تهران. مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۷۴. فراهیدی، خ. ۱۴۱۰. کتاب‌العین. ج ۵. قم. انتشارات هجرت.
۷۵. فروزنده‌دهکردی، ل؛ ملائی، ا. ۱۳۸۸. «بررسی نظام ارزشی در مدیریت اسلامی و دیگر مکاتب». راهبرد یاس. ۱۷: صص ۱۸۷-۱۶۶.
۷۶. فلاح سلوکلائی، م. ۱۳۸۴. «سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی». معرفت. ۹۳: صص ۱۰۲-۱۱۸.
۷۷. قیصری، د. ۱۳۷۰. شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم. تهران. امیرکبیر.
۷۸. _____ ۱۳۷۵. شرح فصوص الحکم. تهران. شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۷۹. کریمی، ع. ۱۳۸۱. «علی‌علیه‌السلام و نحوه نگرش به قدرت». تاریخ اسلام. ۱۲: صص ۱۱۸-۸۹.
۸۰. کشوری، ا. ۱۳۷۱. «نگرشی بر مدیریت اسلامی: اوصاف مدیر». درس‌هایی از مکتب اسلام. ۱۱: صص ۵۸-۶۱.

۸۱. کلاتری، ب؛ دانایی فرد، ح. ۱۳۷۸. «در جست‌وجوی پارادایمی برای مدیریت دولتی / آیا می‌توان از مدیریت دولتی اسلامی چیزی آموخت؟». مصباح. (۱)۸: صص ۴۹-۷۶.
۸۲. کلینی، م. ۱۳۶۲. الکافی. ج ۱. تهران. اسلامیه.
۸۳. گابینی، ا. ۱۳۸۲. «پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسی در مدیریت اسلامی». روش‌شناسی علوم انسانی. ۹: (۴): صص ۶۹-۱۰۹.
۸۴. لاهیجی، م. ۱۳۸۱. مفاتیح‌الاعجاز فی شرح گلشن راز. تهران. نشر علم.
۸۵. ماندگار، م. ۱۳۷۹. «نهج‌البلاغه و مبانی خط‌مشی‌گذاری در حکومت». علوم سیاسی. ۱۱: صص ۱۷۹-۲۱۰.
۸۶. محسنی، ع. ۱۳۸۴. «امام علی علیه السلام و رویکرد مردمی به حکومت و خاستگاه آن». دانش سیاسی. ۱: صص ۱۵۸-۱۲۹.
۸۷. محمد زمانی، م. ۱۳۹۲. «تبیین مسئولیت اجتماعی سازمان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه امام صادق علیه السلام. تهران.
۸۸. محمدی، م. ۱۳۹۲. «الگوی اسلامی ارتباطات با مشتری مبتنی بر رابطه اخوت». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۸۹. مشتاق، ز. ۱۳۸۵. «خصوصیات یک مدیر لایق و شایسته از دیدگاه اسلام». توسعه مدیریت. ۷۲: صص ۲۲-۴۲.
۹۰. مصباح یزدی، م. ۱۳۸۵. پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی. قم. مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله علیه).
۹۱. _____ ۱۳۹۰. «شرح دعای مناجات‌المریدین در جست‌وجوی قرب الهی». معرفت. ۲۰(۱۲): صص ۵-۱۰.
۹۲. _____ ۱۳۹۱. «پیشگامان مسیر قرب الهی». معرفت. (۱)۲۱: صص ۵-۱۲.
۹۳. مطهری، م. ۱۳۷۰. آشنایی با قرآن. ج ۲. تهران. صدرا.
۹۴. مکولی، ج؛ جانسون، ف؛ دویرلی، ج. ۱۳۸۹. نظریه سازمان: نگاه‌ها و چالش‌ها. ترجمه دانایی فرد، ح. تهران. انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۹۵. مہانمی، ع. ۱۴۲۲. خصوص النعم فی شرح فصوص الحکم. بیروت. دارالکتب العلمیة.
۹۶. موسوی خلیفائی، ص. ۱۳۸۳. شرح مناقب ابن عربی. قم. مطبوعات دینی.
۹۷. میرزا بابا شیرازی، ا. ۱۳۶۳. مناہج انوار المعرفه فی شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه. تهران. خانقاه احمدی.
۹۸. نادری قمی، م. ۱۳۷۸. قدرت در مدیریت اسلامی. قم. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله علیه).
۹۹. ناصری، ع. ۱۳۸۱. «نظارت در حکومت علوی». معرفت. ۵۲: صص ۵۶-۶۱.
۱۰۰. نجات‌بخش اصفهانی، ع؛ شهریاری، ب. ۱۳۸۸. «مقایسه و ویژگی‌های مدیریت از دیدگاه قرآن کریم با مدیریت از دیدگاه تئوری‌های غربی». پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم. (۲)۱: صص ۷۳-۸۰.
۱۰۱. نعمت‌الله ولی، ن. ۱۳۸۰. دیوان کامل حضرت شاه نعمت‌الله ولی. کرمان. خدمات فرهنگی کرمان.
۱۰۲. نقی‌پورفر، ولی‌الله. ۱۳۷۷ الف. اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن. تهران. انتشارات مدیریت دولتی.
۱۰۳. _____ ۱۳۷۷ ب. بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن. تهران. مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۱۰۴. نوایی، ع. ۱۳۸۲. «تصویری از کارگزاران در نظام اسلامی و بایدهای اخلاقی آن». اندیشه حوزه، ۴۳ و ۴۴: صص ۱۱-۸۷.
۱۰۵. نیومن، ل. ۱۳۸۹. شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی. ج ۱. ترجمه دانایی فرد، ح. تهران. مؤسسه کتاب مهربان نشر.
۱۰۶. هج، م. ۱۳۸۹. تئوری سازمان؛ مدرن، نمادین - تفسیری، پست‌مدرن. ترجمه دانایی فرد، ح. تهران. مهربان نشر.

۱۰۷. هوشنگی، ح. ۱۳۹۰. «نظریه ادراکات اعتباری و فلسفه‌های مضاف». حکمت معاصر. ۲(۲): صص ۹۷-۱۰۶.

108. Abbasi, A. 2008. **Role of Islamic leadership in value based corporate management.** (doctor of philosophy in Management Sciences). National university of modern languages Islamabad.
109. Achour, Mand Boerhannoeddin A. 2011. **The role of religiosity as a coping strategy in coping with work-family conflict and achieving employees' well-being.** Paper presented at the International Conference on Social Science and Humanity. Singapore.
110. Azni Ahmad, F. 2012. **"Philosophical underpinnings of Islamic management method: worldview, epistemology and ontology"**. International journal of humanities and social science. 2(20). p 150-161.
111. Babaei, M, Vazifeh Damirchi, Q, and Sharifi, S. 2012. **"analysis of cultural management competencies with emphasis on the Islamic perspective"**. Singaporean Journal of business economics, and management studies. 1(4). p 40-45.
112. Boyatzis, R. E. 1998. **Transforming qualitative information: thematic analysis and code development.** London: Sage.
113. Denzin, N. K. & Lincoln, Y. S. (Ed.). 2000. **Handbook of qualitative research.** Thousand Oaks, CA: sage.
114. Eskandarzadeh, A, Farajollahi, M, Nasiri, P, Moeni Kia, M. 2011. **"Ways to enhance job motivation of managers in Ardabil"**. World applied sciences journal. 14(8). p 1179-1185.
115. Hoque, N, Hasmat Ali, M.D, Mofizur Rahman Al-Azhari, B.M. 2013. **"Islamic resurgence movements in Bangladesh: Experiences from Iran and Turkey"**. World journal of Islamic history and civilization. 3(2). P 73-84.
116. Imran Haider Naqvi, Kanwal Bilal, Muhammad Usman Y, D, S. 2012. **"Religious perspective in knowledge management rationalizes business"**. World applied sciences journal. 19(2). p 223-228.
117. Mazliza, M, Azlinor, S, Nor Asiah, M. 2013. **Advocating Islamic values and principles in the management of STRATA schemes in Malaysia: some notes for consideration.** Paper presented at the international conference on business and economic research (4TH ICBER 2013) proceeding. golden flower hotel. Bandung. Indonesia.
118. Mohiuddin, G. 2013 a. **"Mechanism of controlling from divine sources"**. Human resource management research. 3(3). p 106-108.
119. _____ 2013 b. **"Religions views on industrialization and entrepreneurship: A study in Islamic perspective"**. Human resource management research. 3(3). p 101-105.
120. Muhammad U, Sami, N, Ehsan, F, Hameed Mobeen, A, Khan, J, Rahim. 2011. **High level principles of time management in Islam.** Paper presented at the international conference on sociality and economics development. Singapore.
121. Rafiki, A, Wahab, K. 2013. **Measuring entrepreneurs' satisfaction from Is-**

Islamic perspective: A study on small firms in North Sumatera, Indonesia.
Paper presented at the international conference on business and economic research (4TH ICBER 2013) proceeding. golden flower hotel. Bandung. Indonesia.